

بررسی اجتماعی مشاغل غیررسمی در جمع‌آوری مواد زاید جامد شهری استان خراسان (۱)

چکیده

یکی از معضلات اجتماعی در اکثر شهرهای ایران، وجود مشاغل غیر رسمی و تبعات ناشی از آن است. جمع‌آوری، تفکیک و بازیافت مواد زاید توسط فعالان غیر رسمی و دوره‌گردها، یکی از انواع مختلف مشاغل غیر رسمی است. در ایران، تاکنون تلاش زیادی از سوی سازمانها و بخشهای دولتی برای جمع‌آوری یا ساماندهی دوره‌گردها و فعالان غیر رسمی در زمینه تفکیک و بازیافت مواد زاید در سطح شهرها صورت گرفته است، اما چون وضعیت اجتماعی - اقتصادی این افراد کاملاً بررسی نشده و تشکیلات سلسله‌مراتبی سازمان یافته آنها به طور دقیق شناسایی نگردیده است، مقابله با آنان نه تنها چاره‌ساز نبوده و فعالیت آنها را محدود نکرده است بلکه روز به روز بر تعداد و گستره فعالیت آنان اضافه شده است.

هدف این مقاله، شناسایی فعالان غیر رسمی در امر جمع‌آوری زایدات قابل بازیافت در استان خراسان و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی این قشر از اجتماع و انگیزه‌های این افراد جهت انجام این نوع فعالیت می‌باشد. بررسی تشکیلات سلسله‌مراتبی این فعالان از نظر اجتماعی و اقتصادی، یکی دیگر از اهداف این تحقیق است.

کلید واژه‌ها: فعالان غیررسمی، مشاغل غیررسمی، بازیافت مواد، تفکیک، مواد زاید جامد.

مقدمه

گسترش بیکاریهای پنهان و مشاغل کاذب، یکی از نتایج و عواقب رشد شهرنشینی (توسلی، ۱۳۸۱، ۴۹) بخصوص در کشورهای کمتر توسعه یافته است. این امر، نه تنها چهره شهرها را زشت و ناخوشایند می‌کند بلکه زمینه‌ساز فساد، معضلات اجتماعی، اقتصادی و... است.

از دهه ۱۹۶۰، بازیافت مواد در کشورهای صنعتی توسط دوره‌گردها تعطیل و به تدریج بخش خصوصی با سازماندهی مناسب وارد عمل گردید (عبدلی، ۱۳۷۹، جهان، ۶۴). زباله‌دزدی و یا جمع‌آوری و تفکیک غیرقانونی زباله، معمولاً در کشورهای کمتر توسعه یافته با روش کاملاً غیربهداشتی انجام می‌گیرد. در مناطق مختلف ایران نیز بازیافت و جداسازی در محل‌های مختلف - از سط‌های زباله تا مکان‌های دفن و دفع - انجام می‌شود. مواد مختلفی نظیر انواع پلاستیک، کاغذ و کارتن، شیشه، فلز و نان توسط این افراد بازیابی می‌گردد (عبدلی، ۱۳۷۹، ایران). به حداکثر رساندن میزان بازیافت و استفاده مجدد از مواد زاید با رعایت دیدگاه زیست‌محیطی در دستور کار ۲۱ کشور قرار گرفته است (برنامه عمران ملل متحد، ۱۹۹۲، ۳۴۳). تاکنون اقدام‌هایی گسترده و همه‌جانبه توسط دولت‌ها و سازمان‌های رسمی برای انجام این دستور صورت گرفته که اغلب با مشارکت مردم و انجمن‌های مردمی همراه بوده است.

هنگامی که جمع‌آوری زایدات قابل بازیافت توسط سازمان‌های رسمی و یا با نظارت آنها انجام شود، اما شرایط بهداشتی و زیست‌محیطی رعایت نشود، نمی‌توان این نوع فعالیت را در راستای بهبود کنترل و مدیریت زایدات قابل بازیافت دانست و فعالان مربوط را جدا از مشاغل غیر رسمی و تعاریف حاکم بر آن و پیامدهای ناشی از آن به شمار آورد.

طرح مسأله

یکی از معضلات اجتماعی در اکثر شهرهای ایران، وجود مشاغل غیر رسمی و تبعات ناشی از آن است. یکی از این گونه‌ها مشاغل بازیافت مواد زاید توسط فعالان غیر رسمی و دوره‌گردهاست. این امر به دلایل مختلف از جمله موارد ذیل، سازمان‌های رسمی و دولتی را بر آن داشته است که برای جمع‌آوری یا ساماندهی این فعالان اقدام‌هایی را انجام دهند:

- ایجاد مشاغل کاذب در سطح شهرها؛
- انجام بازیافت توسط این افراد و نظارت نداشتن بر آنها باعث می‌شود هیچ سودی متوجه بخش دولتی نگردد؛
- استفاده نامطلوب و غیربهداشتی از این مواد در کارگاه‌ها و صنایع بازیافت و به خطر انداختن بهداشت جامعه.

سازمان‌های رسمی و دولتی تاکنون تلاش زیادی برای جمع‌آوری دوره‌گردها و فعالان غیر رسمی در زمینه بازیافت مواد زاید از سطح شهرها صورت داده‌اند، اما چون وضعیت اجتماعی - اجتماعی این افراد و تشکیلات سلسله مراتبی سازمان یافته آنها کاملاً شناسایی نشده، عمدتاً

مقابله با آنان، سطوح پایین این تشکیلات را دربر گرفته و اقدامهای انجام شده بیشتر به جمع آوری دوره گردها از سطح شهر یا جریمه کردن آنها انجامیده است، اما همین افراد پس از رها شدن دوباره به کار سابق خود ادامه داده‌اند. در مجموع، این اقدامها مشکلی را حل نکرده و تعداد فعالان در این زمینه و گستره کار آنها شکلی روزافزون به خود گرفته است.

فرضیه‌ها

۱. فعالیت فعالان غیررسمی در امر جمع آوری زایدات، جزو فعالیتهایی است که به صورت سلسله مراتبی و سازمان یافته در سطح کل کشور انجام می‌شود.
۲. از نظر جایگاه اجتماعی، افراد فعال در امر بازیافت، از سطوح بسیار پایین از نظر اجتماعی و اقتصادی تا سطوح کاملاً مرفه را شامل می‌شوند.
۳. در خراسان، بخصوص در شهر مشهد، سطوح پایین فعالان غیررسمی در امر زباله را اغلب مهاجران روستایی تشکیل می‌دهند.
۴. بخش مهمی از فعالان غیر رسمی در زمینه مواد قابل بازیافت را کودکانی تشکیل می‌دهند که سنشان از سن قانونی کار کمتر است.
۵. میزان رضایتمندی کار در فعالان غیر رسمی از نظر روان شناختی و اجتماعی یکسان نیست و در سطوح مختلف میزان رضایتمندی شغلی آنان متفاوت است.

هدف

اهداف اصلی این مقاله عبارتند از:

- شناسایی فعالان غیررسمی در امر جمع آوری زایدات قابل بازیافت و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی این قشر از اجتماع در شهرهای استان خراسان؛
- انگیزه های این افراد جهت انجام این نوع فعالیت؛
- بررسی تشکیلات سلسله مراتبی این فعالان.

روش تحقیق

در این مقاله سعی شده است علاوه بر روش کمی، از روش کیفی (ذکایی، ۱۳۸۱، ۴۱) نیز برای انجام تحقیق استفاده شود:

الف) روش کتابخانه‌ای و اسنادی: استفاده از آمار و منابع موجود در کتابها و مقاله‌های چاپ شده؛ استفاده از گزارشهای موجود؛ استفاده از طرحهای تحقیقاتی و پژوهشی؛ استفاده از

ب) مشاهده مستقیم پهنانگر: تکمیل پرسشنامه‌ها توسط افراد مختلف فعال در امر بازیافت و مراجعه به شهرهای مختلف؛

ج) مشاهده مستقیم ژرفانگر: داده‌های شفاهی: مصاحبه با فعالان در زمینه تفکیک و بازیافت مواد زاید؛ مصاحبه با مسئولان، کارشناسان و کارکنان مختلف در زمینه بازیافت؛ مصاحبه با رؤسای کارخانه‌ها و کارگاههای بازیافت.

د) پردازش آمار و اطلاعات به وسیله نرم افزارهای آماری.

ه) تجزیه و تحلیل اطلاعات و پاسخ فرضیه‌ها.

جامعه آماری

به منظور رسیدن به اهداف و پاسخ‌گویی به فرضیه‌های تحقیق، هشت شهر بزرگ استان خراسان شامل بجنورد، نیشابور، سبزوار، بیرجند، تربت حیدریه، قوچان و کاشمر به عنوان نمونه از بین شهرهای استان انتخاب شده‌اند. جامعه آماری در این تحقیق، فعالان غیر رسمی در زمینه مواد زاید جامد در این هشت شهر می‌باشد.

برای انجام تحقیقات میدانی در زمینه جمع‌آوری اطلاعات، نمونه‌گیری انجام شده است.

حجم نمونه

تعداد دقیق فعالان غیر رسمی در امر بازیافت مواد در خراسان مشخص نیست؛ اما با توجه به بررسی‌های انجام شده، این تعداد در شهر مشهد حدود ۳۵۰۰ نفر و در هفت شهر دیگر نمونه استان خراسان حدود ۱۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. با توجه به اینکه این فعالان در سطوح مختلف قرار دارند، سعی شده انتخاب نمونه‌ها از تمامی سطوح به تناسب تعداد فعالان آن سطح باشد. چون اکثریت افراد این جامعه بی سواد و یا کم سواد بوده و یا به خاطر ترس، از پاسخ‌گویی طفره می‌روند و این احتمال وجود داشت که تعداد زیادی از پرسشنامه‌ها بی‌پاسخ بماند و یا پاسخها ناقص باشد، حجم نمونه بیش از ۱۸ درصد تعیین شد. در مجموع، تعداد ۸۴۳ نفر به عنوان نمونه و عمدتاً به صورت تصادفی مورد سؤال قرار گرفتند. این سؤالها از طریق پرسشنامه یا مصاحبه انجام شده است.

فعالان در زمینه بازیافت مواد زاید در شمارمشاغل و فعالان غیر رسمی

ظاهراً فعالان در امر جمع‌آوری و تفکیک مواد زاید قابل بازیافت در شهرها را می‌توان جزو مشاغل غیررسمی قلمداد کرد (صرامی، ۱۳۷۲). مشاغل غیر رسمی عبارت است از: «مجموعه تلاشهایی که افراد در سنین مختلف و با جنسیت متفاوت در طول شبانه‌روز به قصد کسب درآمد عمدتاً در شهرهای پرجمعیت و فقیر کشورهای جهان سوم و در بخشهایی که مستقیماً کشاورزی یا صنعت و خدمات سالم نمی‌باشد انجام داده، از ناحیه دولتها رسمیت نداشته، از طرف نهاد و مقامی نیز حمایت نشده، برنامه‌ریزان آنها را تأیید نکرده، خود نیز با علاقه و به نیت همیشگی آنها را انتخاب ننموده، فاقد سرمایه و ابزار زیاد بوده و حذف آنها خللی جدی و درازمدت در جامعه ایجاد نمی‌کند» (صرامی، ۱۳۷۳، ۵۳).

«اقتصاد بخش غیررسمی در بسیاری از کشورهای جهان سوم حدود یک سوم نیروی کار فعال را به خود جذب می‌کند و این نسبت در ربع قرن گذشته طی رکودها و رونقها ثابت مانده است. ابتدا گمان می‌رفت که این فعالیتها (از سبزی فروشی گرفته تا مواد بازیافتی) تا هنگام پیدا شدن نیروی کار رسمی ادامه خواهد یافت، اما بررسی بیشتر نشان داد به علت انعطاف‌پذیری، آزادی، شیوه زندگی و درآمد بیشتر به سراغ بخش غیررسمی می‌روند. به‌علاوه، بخش غیررسمی از بخش رسمی جدایی‌ناپذیر بوده و بهره‌وری و بازاریابی شرکتهای بزرگ به بخش غیررسمی وابسته است» (چیما، ۱۳۷۹، ۶۲).

در ایران، فعالان در امر جمع‌آوری و تفکیک مواد زاید قابل بازیافت، تا وقتی به‌طور فردی یا گروهی بدون اطلاع سازمانهای رسمی مبادرت به جمع‌آوری زایدات قابل بازیافت می‌کنند، از نظر این سازمانها و مراجع قانونی (مانند وزارت کشور و زیرمجموعه‌های آن، مانند شهرداریها) غیر رسمی قلمداد می‌شوند. زمانی که با اطلاع این مراکز و پرداخت وجهی به عنوان مجوز به آنها اقدام به جمع‌آوری می‌کنند، دیگر به‌عنوان فعالان غیررسمی قلمداد نمی‌شوند. در صورتی که طبق مشاهدات و بررسیهای انجام شده، در شهرهای نمونه، شرایط کاری این افراد در هر دو حالت رسمی و غیررسمی، از نظر شرایط و مقررات حاکم بر کار مانند وضعیت درآمد، بهداشت، بیمه، شرایط سنی و... هیچ تفاوتی با هم ندارد.

شناسایی فعالان غیر رسمی در جمع‌آوری زایدات از سطح شهر

در استان خراسان، تفکیک اجزای قابل بازیافت علاوه بر آنکه توسط بخش رسمی مانند شهرداریها (و در مشهد از طریق سازمان بازیافت و تبدیل مواد) صورت می‌گیرد، توسط فعالان بخش

غیررسمی نیز جمع آوری می‌شود. فعالان غیررسمی در زمینه زایدات قابل بازیافت، به دسته‌ها و گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند:

۱. جمع آوری از محل تولید زباله - نمکیها

در اکثر مناطق و محله‌های شهرها، نمکیها با مراجعه به منازل، مواد زاید خشک قابل بازیافت را از محل تولید جمع آوری می‌کنند. این افراد هر چند به‌طور غیررسمی فعالیت می‌کنند اما توانسته‌اند در تمام شهرها موفق عمل کنند و اکثر مناطق شهری را تحت پوشش خود قرار دهند. این گروه از فعالان در ازای گرفتن نان، مقوا، پلاستیک، فلزات و... از درب منازل؛ نمک، اجناس پلاستیکی کوچک مانند سبد، کیسه پلاستیک و یا پول ارائه می‌دهند که این، عاملی برای موفقیت آنها محسوب می‌شود. نمکیها به دلیل سابقه‌ای که در جمع آوری نان دارند در بین مردم کاملاً شناخته شده‌اند و مردم به راحتی با این افراد همکاری می‌کنند.

- تفکیک زباله خشک در مراکز بهداشتی - درمانی

طبق مشاهدات انجام شده، در بیمارستانها و سایر مراکز بهداشتی - درمانی که برای بیمار غذا طبخ می‌شود، مواد زایدی چون نان خشک جدا شده و در شرایط بسیار نامطلوب (حتی در مواردی در جایگاه موقت زباله) نگهداری و به دوره‌گردها (نمکیها) فروخته می‌شود. به دلیل کیفیت مناسب ظروف و وسایل دارویی و بهداشتی، برخی از کارگران بیمارستانها به تفکیک مواد قابل بازیافت در هنگام جمع آوری زباله بخشها اقدام می‌کنند. مواد پلاستیکی مثل کیسه سرم، کیسه خون و کیسه‌های ادرار، سرنگ و غیره را به واسطه‌ها و نمکیها می‌فروشند.

۲. تفکیک در مرحله جمع آوری

- جمع آوری توسط افراد دوره گرد (زباله‌دزدها)

با خروج زباله از منزل، جمع آوری غیررسمی مواد قابل بازیافت از درون آن آغاز می‌شود. دوره‌گردها، گاریهای خرید اجزای خشک و... در حین گشت‌زنی در کوچه‌ها و خیابانها، اجزایی نظیر پلاستیک، فلزات و کارتن را از جلو منازل و مغازه‌ها و یا ظروف زباله جمع آوری می‌کنند و آنها را به انبارها و مراکز خرید این اجزا می‌فروشند.

- تفکیک توسط کارگران شهرداری

معمولاً در کنار یا پشت گاریها و ماشینهای جمع آوری زباله، کیسه‌ای توسط کارگر شهرداری نصب می‌شود که مخصوص جمع آوری اجزای خشک است. پس از انجام فعالیت روزانه، این کیسه‌ها به انبارها و مراکز خرید تحویل داده می‌شود و درآمدی نصیب کارگران می‌نماید.

۳. تفکیک در مرحله دفن

تفکیک در این مرحله توسط کارگران و افراد غیر رسمی، در محل دفن زباله‌های شهرها صورت می‌گیرد. با وجود فعالیت سازمانهای رسمی و فعالان غیررسمی در امر تفکیک زباله، باز هم مقدار زیادی از اجزای خشک قابل بازیافت، همراه با سایر زباله‌های خانگی، به محل دفن زباله‌ها منتقل می‌شود. در اکثر شهرهای خراسان، جمع‌آوری مواد قابل بازیافت، از محل دفن زباله‌ها صورت می‌گیرد. شهرداریها در برخی مواقع محل دفن را به شرکتهای برنده مزایده واگذار می‌کنند و اجازه جمع‌آوری اجزای زباله را از محل دفن می‌دهند. البته، این کار از نظر بهداشت و محیط‌زیست قانونی نیست و حتی در شهرداری هم به‌طور علنی و از طریق مزایده انجام نمی‌شود. به‌طور مثال، در سال ۱۳۸۰، شرکت چالیشان با پرداخت ماهانه ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال به سازمان بازیافت مشهد، در محل دفن زباله‌های مشهد، عمل جداسازی را انجام داده است. در محل دفن، مجموعاً حدود ۲۵ نفر برای این شرکت فعالیت کرده‌اند که برخی ایرانی و تعدادی نیز افغانی هستند. در بین این افراد، از کودک ۱۲ ساله تا مرد ۵۵ ساله به چشم می‌خورد. این افراد زباله‌های خشک جمع‌آوری شده را به قیمت هر کیلو ۳۰۰ ریال به شرکت چالیشان فروخته‌اند. فعالیت این گروه کاملاً غیربهداشتی است. در بازدیدی که در تاریخ ۸۰/۱۲/۱۰ از محل دفن زباله در شهر مشهد به‌عمل آمد، هیچ‌یک از افرادی که مشغول تفکیک زباله بودند (حدود ۱۸ نفر)، نه بیمه بودند، نه واکسیناسیون شده بودند و نه ابزار کار مثل دستکش و ماسک داشتند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰، ۵)

۴. مرحله انبار (دپو)، جداسازی و انتقال مواد قابل بازیافت

تمام مواد زاید خشکی که توسط افراد مختلف، نمکیها، کارگران شهرداری و یا به هر طریق دیگری جمع‌آوری و جداسازی می‌شود، در نهایت به انبارهای نگهداری این مواد در سطح شهرها تحویل می‌گردد. تفکیک مواد زاید خشک، در انبارها انجام می‌شود. در این انبارها، ابتدا مواد جامد جمع‌آوری شده تخلیه و سپس به تفکیک نوع جنس جداسازی می‌گردند و در مرحله بعد به تاجران عمده مواد قابل بازیافت، فروخته می‌شوند. برخی از این تاجران، بخصوص در شهرستانهای استان خراسان، فقط کار واسطه‌گری را انجام می‌دهند و محصولات جمع‌آوری شده را به شهرهای عمده مثل مشهد و تهران می‌فروشند. مثلاً در شهرستانهای درجه دو استان خراسان، بخش مهمی از مواد زاید جمع‌آوری شده، بخصوص کاغذ و نایلون، را فشرده و متراکم می‌کنند و به مشهد، اصفهان و تهران حمل می‌نمایند.

جدول ۱ برآورد مقدار اجزای خشک جمع آوری شده توسط فعالان غیر رسمی شهرهای نمونه، ۱۳۸۱، روز - تن

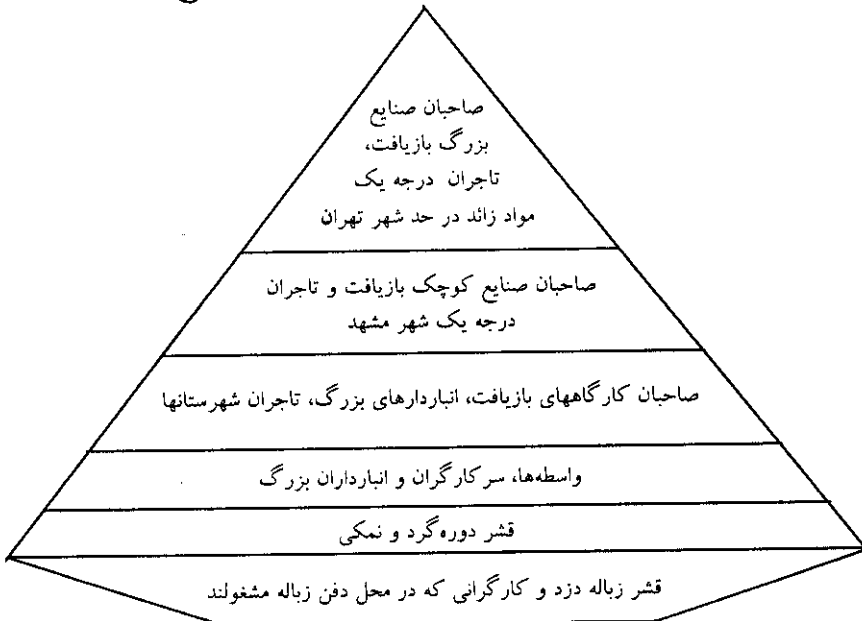
اجزای خشک	مشهد	بجنورد	بیرجند	تربت حیدریه	کاشمر	قوجان	سبزوار	نیشابور	جمع	برآورد ارزش (هزار ریال)
نان	۴۲	۰/۴	۰/۵	۰/۳	۰/۲	۰/۱۵	۰/۷	۰/۵	۴۴/۷۵	۲۲۳۷۵
کاغذ	۴۰/۴	۰/۳۵	۰/۴۵	۰/۴	۰/۴	۰/۳	۰/۸	۰/۵۵	۴۳/۶۵	۶۵۴۷/۵
فلز	۲۲	۰/۷	۰/۵۵	۱/۲	۰/۲	۱/۱۳	۱/۲۵	۰/۶	۲۷/۶۳	۱۹۳۴۱۰
پلاستیک	۴۸/۴	۰/۷۵	۰/۶	۰/۳۵	۰/۳	۰/۲۵	۰/۸	۰/۳۵	۵۱/۸	۱۸۱۳۰
شیشه	۱۵/۴	۰/۳۵	۰/۲	۰/۳	۰/۲۵	۰/۱۵	۰/۹	۰/۳	۱۷/۸۵	۵۳۵۵
جمع	۱۶۸/۲	۲/۵۵	۲/۳	۲/۵۵	۱/۳۵	۱/۹۸	۴/۴۵	۲/۳	۱۸۵/۶۸	۲۴۵۸۱۷/۵

منبع: پاپلی یزدی و وثوقی، ۱۳۸۲

طبق جدول، در سال ۱۳۸۱ روزانه حدود ۱۸۵/۷ تن مواد زاید به ارزش ۲۴۵/۸۱۷/۵۰۰ ریال از سطح شهرهای نمونه خراسان جمع آوری می شده است. این میزان سالانه ۶۷۷۷۳ تن به ارزش ۸۹/۷۲۳/۳۸۷/۵۰۰ ریال برآورد می شود.

بررسی زمینه های اجتماعی - روان شناختی فعالان غیررسمی

طبق بررسی های به عمل آمده، افراد فعال در امر بازیافت را از نظر جایگاه اجتماعی به چند طبقه و قشر می توان تقسیم بندی کرد. نمودار ۱، این طبقه بندی را در سطح کلی نشان می دهد.



۱. صاحبان و مدیران صنایع بزرگ بازیافت و تاجران درجه یک مواد زاید در حد شهر تهران طبق بررسیهای انجام شده، بزرگترین صنعت بازیافت در استان خراسان، کارخانه کمپوست شهرداری مشهد است. در بخش خصوصی، صنایع بزرگ که در امر بازیافت فعال و در حد ملی بوده و حداقل ۱۰۰ نفر کارگر داشته باشند، وجود ندارد (پاپلی یزدی و وثوقی، ۱۳۸۲). صنایع بزرگ و مدیران مربوط و تاجران درجه یک «مواد زاید جامد خشک»، در تهران متمرکز هستند. با هشت نفر از صاحبان صنایع بازیافت و شش نفر از تاجران درجه یک مواد زاید جامد خشک مصاحبه به عمل آمد. این اشخاص از نظر اقتصادی و اجتماعی در سطوح بالای جامعه قرار دارند و از نظر روان‌شناختی، با آنچه به نوع شغلشان مربوط می‌گردد هیچ گونه مشکلی ندارند.

۲. صاحبان صنایع کوچک بازیافت و تاجران درجه یک مواد بازیافتی در شهر مشهد مصاحبه‌ای حضوری و به صورت ژرفانگر با ۵۲ نفر از صاحبان صنایع کوچک و ۱۷ نفر از تاجران درجه یک مشهد به عمل آمد. از بین ۶۹ نفر مذکور، به غیر از ۳ نفر، بقیه حاضر به تکمیل کردن پرسشنامه نشدند. ولی در مصاحبه حضوری، به صورت آزاد بدون ضبط صوت حاضر به صحبت شدند.

تاجران درجه یک، مشکل اقتصادی خاصی ندارند؛ حداقل درآمد ماهیانه آنها در سال ۱۳۸۱ بیش از ۲/۵ میلیون تومان و حداکثر درآمدشان بالای ۸/۵ میلیون تومان تخمین زده می‌شود. البته، تمامی این تاجران درآمد خود را مستقیماً اعلام نکرده‌اند؛ از بین ۱۷ نفر پرسش شونده، فقط ۶ نفر درآمد خود را به طور مستقیم اعلام کردند و در مورد بقیه از روی شواهدی چون میزان ماده اولیه‌ای که خرید و فروش می‌کنند، تعداد دوره‌گردهایی که برای آنها نان خشک و محصولات بازیافتی جمع می‌کنند، وضع زندگی، تعداد فرزندان، مشاغل و درجات تحصیل فرزندان، تعداد اتومبیل، منزل مسکونی، محل سکونت و سایر موارد (ویلاي شمال، تعداد مسافرت حج و خارج کشور)، می‌توان به حدود تقریبی درآمدها دست یافت.

درآمدهای اعلام شده نیز حداقل و حداکثر درآمدهای تخمینی را تأیید می‌کند. این افراد در میان قشر تاجران شهر مشهد (مثل تاجران فرش، قماش، برنج و...)، منزلت اجتماعی یکسان دارند. از نظر تاجران، تفاوت چندانی از نظر اجتماعی بین یک نفر تاجر درجه یک نان خشک با یک نفر تاجر زعفران و پارچه وجود ندارد. منزلت اجتماعی در بازار، به خوش حسابی و خوش قولی، ماشین، منزل مسکونی و غیره مربوط است. بخش دیگری از منزلت اجتماعی، به زیارت مکه و هزینه کردن برای مراسم مذهبی مثل مخارج روضه خوانی، مشارکت در مخارج هیأت‌های سینه‌زنی و سایر مراسم مذهبی مربوط است. این امور، بخصوص در شهر مشهد، مهم است.

در مصاحبه انجام شده با ۱۷ تاجر شهر مشهد، تمامی آنها از نظر مالی شرایط خوبی داشته، به مکه معظمه مشرف شده و در مراسم مذهبی به طرق مختلف مشارکت داشته‌اند. بنابراین از موقعیت اجتماعی لازم برای یک نفر تاجر بازار برخوردار بودند. در بین ۱۷ نفر، فقط ۳ نفر از نظر روانی تا حدی از کار خود ناراضی بودند. این سه نفر به تاجران نان خشک مشغول بودند و علت ناراحتی آنها نیز مسأله مادی و جایگاه اجتماعی نبود، بلکه علت آن آلودگی و کپک‌زدگی نان خشک بود که باعث آلودگی شیر دامهایی می‌شود که نان خشک مصرف می‌کنند و این آلودگی به انسان سرایت می‌کند؛ لذا آنها خود را به نحوی مسؤول می‌دانستند. اکثر این افراد کار خود را بدین نحو توجیه می‌کردند که اگر ما این نعمتهای خداوند را سروسامان ندهیم و جمع نکنیم، باید سالانه حداقل معادل ۲/۵ میلیون تن علوفه دامی به کشور وارد گردد تا کسری خوراک دام تأمین شود.

۵۳ نفر صاحبان صنایع کوچک به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که نتایج آن به شرح ذیل است:

- ۸۵٪ این افراد از مشکلات مالی شکایت دارند.
- ۵۳٪ معتقدند که به علت مشکلات مالی نمی‌توانند کار خود را گسترش دهند و با حداقل ظرفیت کار می‌کنند و همین امر موجب کاهش درآمد آنهاست.
- ۸۸٪ معتقدند که شرایط خاص قوانین سازمان تأمین اجتماعی، یکی از موانع عمده گسترش کار آنهاست.
- ۴۷٪ از کار خود راضی هستند.
- ۳۵٪ احساس می‌کنند که به اجبار به کار خود ادامه می‌دهند.
- ۱۱٪ اظهار داشته‌اند که در اولین فرصت شغل خود را تغییر خواهند داد.
- ۶۳٪ آنها معتقدند که از نظر اجتماعی، جایگاهی متوسط بین دیگر صاحبان کارگاهها دارند.
- ۶۵٪ معتقدند خانواده آنها مشکل اجتماعی خاصی را از نظر شغل آنها احساس نمی‌کنند.
- ۲۷٪ اعلام کرده‌اند خانواده آنها به خاطر مسائل اجتماعی مایلند که شغلشان را عوض کنند.
- ۶۹٪ گفته‌اند هیچ‌گونه مشکل روانی، و یا پشیمانی و ناراحتی به خاطر شغل ندارند.
- ۱۲٪ معتقدند به دلیل استثماری که از کودکان در شغل آنها می‌شود، ناراحت هستند.
- ۱۵/۵٪ اظهار داشته‌اند که چون محصولات آنها غیر بهداشتی است و ممکن است عواقب خوبی برای مصرف کنندگان نداشته باشد، وجداناً ناراحت هستند.
- ۲ نفر (۴٪) اظهار داشته‌اند به خاطر تولید محصولات غیربهداشتی، هر روز استغفار می‌کنند.
- همین سؤالاها از ۸۶ نفر از تاجران و ۵۹ نفر از صاحبان کارگاههای بازیافت شهرستانهای بجنورد، قوچان، کاشمر، نیشابور، سبزوار، تربت حیدریه و بیرجند نیز به عمل آمد.

۳. تاجران نان خشک و مواد زاید خشک بازیافتی در شهرهای خراسان

پاسخهای تاجران در شهرستانها، با مشهد متفاوت است. در شهرستانهای خراسان، تاجران درجه یک مواد زاید خشک (نان خشک، پلاستیک، شیشه، فلز و ...) در حد شهر مشهد وجود ندارد. درآمد آنها از درآمد در مشهد کمتر است. درآمد ماهیانه ۸۵٪ آنها کمتر از یک میلیون تومان در ماه است. ۱۵٪ که درآمد آنها بین یک تا سه میلیون تومان در ماه بوده است، در شهرهای سبزوار، نیشابور، بجنورد ساکن بوده‌اند.

از ۸۶ نفر تاجر مورد نمونه مواد زاید جامد شهرستانهای استان خراسان، ۹۱٪ به مکه معظمه مشرف شده‌اند و به اصطلاح حاجی‌بازاری هستند. برای هر یک از این افراد، به‌طور متوسط ۹ نفر دوره‌گرد، مواد زاید جمع می‌کرده‌اند. ولی برای تاجران سبزوار، بجنورد، نیشابور، تربت‌حیدریه و کاشمر، مواد زاید از شهرهای کوچکتر (مثلاً برای تربت حیدریه از رشتخوار و فیض‌آباد، برای کاشمر از بردسکن، خلیل‌آباد و ریوش) توسط واسطه‌های عمده یا تاجران آن شهرها حمل می‌شده است.

تاجران ۷ شهر نمونه استان خراسان در مجموع ۳۱٪ مواد زاید جمع آوری شده خود را به شهرهای دیگر بخصوص مشهد، تهران و اصفهان حمل کرده و در آنجا به فروش می‌رسانند و ۶۹٪ مواد در همان شهرها تبدیل می‌شود.

جایگاه اجتماعی این تاجران در بازار، به وضعیت اقتصادی آنها بستگی دارد؛ البته، نوع شغل آنها نیز در این میان بی‌تأثیر نیست. مثلاً در مشهد، تاجران نان خشک و دیگر محصولات بازیافتی، مشکل اجتماعی احساس نمی‌کرده‌اند. ۲۳/۵٪ تاجران شهرستانی معتقد بوده‌اند که جایگاه آنها در بازار مثل دیگر تاجران نیست. مثلاً، ۲۹٪ تاجران نان خشک و سایر مواد زاید خشک سبزوار، اظهار داشته‌اند جایگاه آنها از نظر اجتماعی، هم‌دیف تاجران تخمه هندوانه، خربزه، پشم و قالی نیست و از موقعیت اجتماعی کمتری برخوردارند.

در شهر سبزوار، درآمد متوسط تاجران مذکور بیش از تاجران نان خشک و مواد زاید بازیافتی دیگر بوده است؛ ولی در دیگر شهرهای استان خراسان، اصولاً موقعیت اجتماعی سایر تاجران (زیره، قالی، تخم‌هندوانه) در سطح بالاتری از تاجران نان خشک قرار داشته است. در مواردی، درآمد تاجران مواد بازیافتی از درآمد تاجران زیره بیشتر هم بوده است، ولی آنان و مردم باز هم اظهار داشته‌اند که جایگاه اجتماعی این گروه، از دیگر تاجران پایین‌تر است.

از نظر روانی، ۵۸٪ افراد مورد بررسی اظهار داشته‌اند که هیچ‌گونه مشکل روانی و فکری

به‌خاطر شغلشان - نه از طرف خود و نه از طرف خانواده‌شان - ندارند.

۲۶٪ اظهار داشته‌اند گهگاه از شغل خود به دلایل عدیده (استثمار جمع‌کنندگان مواد بخصوص کودکان، وارد کردن مواد زاید غیر بهداشتی مثل نان کپک زده و غیره) ناراحت هستند.

۱۱٪ اظهار داشته‌اند از نظر روانی، به دلایل متعدد، از جمله فشار فرزندانشان، از شغل خود راضی نیستند.

۵٪ به سؤالا پاسخ نداده‌اند.

۴. صاحبان کارگاههای تبدیل مواد زاید جامد در شهرهای خراسان

۵۹ نفر از صاحبان کارگاههای تبدیل مواد زاید، مقیم شهرهای نمونه استان خراسان (به غیر از مشهد) به پرسشنامه مربوط پاسخ داده‌اند.

تقریباً ۱۰۰٪ از مشکلات مالی شکایت دارند.

۶۷٪ اظهار داشته‌اند که به علت مشکلات مالی نمی‌توانند کارگاههای خود را گسترش دهند.

۷۳٪ مسأله بیمه کارگران را یکی از مشکلات خود دانسته‌اند.

۵۴٪ اظهار داشته‌اند با وجود مشکلات مالی از کار خود راضی هستند.

۲۷٪ اظهار داشته‌اند که به اجبار به کار خود ادامه می‌دهند.

۱۴٪ به دلایل اقتصادی در اولین فرصت شغل خود را تغییر خواهند داد.

۴۸٪ معتقدند که جایگاه اجتماعی آنها در حد جایگاه اجتماعی سایر صاحبان کارگاهها در شهر خودشان است.

۵۳٪ معتقدند خانواده آنها هیچ‌گونه مشکل اجتماعی از نظر شغل آنها احساس نمی‌کنند.

۷/۵٪ اظهار داشته‌اند که بچه‌هایشان از شغل آنها ناراحت هستند.

۱۴٪ اظهار داشته‌اند که خانواده‌شان به دلایل متعدد مایلند آنها شغلشان را عوض کنند.

۴٪ گفته‌اند به دلیل استثماری که از کودکان در شغل آنها می‌شود، ناراحت هستند.

۷٪ اظهار داشته‌اند که می‌دانند تولیدات آنها بهداشتی نیست و به همین جهت ناراحت هستند.

۵. قشر واسطه، سرکارگر و انباردار جزء، در بازیافت مواد زاید جامد

در شبکه تشکیلات بازیافت مواد زاید جامد، این قشر نقش واسطه بین نمکیها، دوره‌گردها و زباله‌دزدها با تاجران و صاحبان صنایع و کارگاهها را دارند. عملاً ۹۳٪ از تاجران بزرگ مواد زاید جامد بازیافتی در مشهد و ۳۷٪ تاجران شهرستانی، به‌طورمستقیم با دوره‌گردها ارتباط نداشته و ارتباط آنها با واسطه‌ها و دلالها و سرکارگران بوده است. صاحبان کارگاهها نیز به‌طور عمده

از واسطه‌ها و تاجران خرید می‌کرده‌اند. فقط کارگاه‌های کوچک زیر ۵ نفر مستقیماً بخشی از مواد مورد نیاز خود را از دوره‌گردها می‌خرند.

بدین ترتیب، واسطه‌ها در فرایند خرید و فروش و تبدیل مواد زاید بازیافتی، نقش اساسی دارند. در مجموع، در استان خراسان ۶۲ نفر واسطه به پرسشنامه‌ها پاسخ داده و ۱۶ نفر نیز در مصاحبه‌های حضوری و ژرفانگر شرکت و از مشکلات کار خود بحث کرده‌اند.

- ۷٪ از این افراد صاحب انبار کوچکی بوده‌اند.

- ۱۲٪ انبار اجاره کرده بودند.

- ۴۶٪ انباری را که به تاجران بزرگ متعلق بوده است، در اختیار داشته و اداره می‌کرده‌اند.

- ۳۲٪ اصولاً انبار نداشته‌اند و فقط سرکارگر بوده و هرکدام چندین دوره‌گرد را در اختیار داشته‌اند که مواد جمع‌آوری شده توسط آنها را به انبارها هدایت می‌کرده‌اند.

- ۳٪ هم به سؤالها پاسخ نداده‌اند.

در سال ۱۳۸۱، درآمد متوسط دلان مشهدی (۱۴ نفر از ۶۲ نفر) بین هفتصد تا یک میلیون و سیصد هزار تومان در ماه و درآمد متوسط واسطه‌های شهرستانی بین ۳۸۰ تا ۹۰۰ هزار تومان در ماه بوده است. در بین شهرستانها، بالاترین درآمد به واسطه‌های سبزواری تعلق داشته است.

در مورد جایگاه اجتماعی این افراد، از خود آنها، تاجران بزرگ، صاحبان کارگاهها و تعدادی از دوره‌گردها سؤالهایی شد. پاسخها متفاوت بود. واسطه‌ها معمولاً ریشه روستایی یا حاشیه شهری دارند. معمولاً عده‌ای، مهاجران روستایی و یا همسایگان حاشیه‌نشین خود را به کار گرفته‌اند. از نظر این افراد، واسطه‌ها موقعیت اجتماعی خوبی دارند. در مشهد و شهرستانها از ۱۴۳ دوره‌گرد درباره کار و شغلشان و نقش واسطه‌ها سؤالهایی به صورت مصاحبه و تکمیل پرسشنامه حضوری، صورت گرفت:

- ۷۳٪، حضور واسطه‌ها را لازم می‌دانند.

- ۶۵٪ معتقدند واسطه‌ها هم باعث اشتغال آنها هستند و هم مدافع آنها در مقابل دیگران.

- ۷۹٪ معتقدند واسطه‌ها وضع مالی خوبی دارند، وضع اجتماعی آنها نیز خوب است.

- ۱۲٪ معتقدند واسطه‌ها از دسترنج آنها سود می‌برند ولی چاره‌ای جز این ندارند.

- ۱۹٪ اظهار داشته‌اند که واسطه‌ها، حقه باز و سودجو هستند.

در مجموع می‌توان گفت که از دیدگاه اکثر دوره‌گردها؛ واسطه‌ها، دلالتها، انباردارها و... از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردارند. از دیدگاه تاجران و صاحبان کارگاهها نیز واسطه‌ها لازم و ضروری‌اند زیرا خودشان نمی‌توانند مستقیماً با صدها دوره‌گرد سروکار داشته باشند. ۳۱٪ صاحبان کارگاهها و ۲۱٪ تاجران معتقدند که واسطه‌ها بیش از حد، دوره‌گردها و بخصوص بچه‌ها را استثمار می‌کنند و قیمت مواد بازیافتی را تمام و کمال به آنها نمی‌دهند. از نظر تاجران و صاحبان کارگاهها، جایگاه اجتماعی واسطه‌ها، بین خودشان و دوره‌گردها قرار دارد.



پاسخ واسطه‌ها در ارتباط با جایگاه اجتماعی خود

واسطه‌ها نقش خود را در فرایند جمع‌آوری مواد زاید بازیافتی، لازم و ضروری می‌دانند و معتقدند که از دوره‌گردها در مقابل دیگران دفاع می‌کنند.

– ۳۲٪ آنها از شغل خود کاملاً راضی هستند.

– ۴٪ گفته‌اند چون شغل دیگری نیست، به کار خرید و فروش مواد زاید مشغولند.

– ۱۷٪ از شغل خود راضی نیستند و مایلند در اولین فرصت شغل خود را عوض کنند.

– ۵۲٪ از درآمد خود راضی هستند. فقط ۲٪ آنها اظهار می‌دارند که ممکن است بچه‌ها و یا

افراد در این کار استثمار شوند و لذا هیچ‌گونه ناراحتی روانی از نظر سروکار داشتن با

افراد دوره‌گرد (بچه‌ها و بزرگسالان) ندارند.

پاسخ دوره‌گردها در ارتباط با جایگاه اجتماعی خود

مجموعاً با ۳۱۶ نفر دوره‌گرد (۸۱ نفر در مشهد و ۲۳۵ نفر در سایر شهرها) مصاحبه صورت گرفته و پرسشنامه تکمیل شده است. در بین ۳۱۶ نفر، فقط ۴ نفر دختر بچه حدود ۱۰ سال (۱/۲۵٪) به این کار مشغول بوده‌اند. بنابراین، کار دوره‌گردی و جمع‌آوری مواد زاید جامد بازیافتی در خراسان، عمدتاً کاری مردانه است.

طبق جدول ۲، از این ۳۱۶ نفر، ۱۷۵ نفر (۵۵/۵٪) باسواد بوده‌اند. از کل باسوادان، ۴ نفر دیپلم داشته‌اند، ۱۴ نفر دوره دبیرستان بوده یا آن را رها کرده بودند، ۷۱ نفر راهنمایی را تمام یا آن را رها کرده بودند و ۸۶ نفر در مقطع دبستان بوده یا آن را رها کرده بودند. از ۳۱۶ نفر، ۴۸ نفر (حدوداً ۱۵٪) سن خود را دقیقاً نمی‌دانسته‌اند و سن آنها به طور حدسی در پرسشنامه آورده شده است. در بین ۸۶ نفر که مقطع دبستان را تمام کرده و یا آن را رها کرده‌اند، ۳۱ نفر در کل نوشتن را فراموش کرده و فقط می‌توانستند تابلوهای مغازه‌ها را بخوانند. از ۱۷۵ نفر باسواد، ۲ نفر هر روز، روزنامه می‌خریده‌اند و ۵ نفر روزنامه می‌خوانده‌اند.

جدول ۲ وضعیت سواد، مهاجرت و حاشیه نشینی دوره‌گردها در شهر مشهد

گروه سنی (سال)	تعداد	درصد	% مهاجر روستایی	% حاشیه نشینی	% باسوادان
کمتر از ۱۰	۵۷	۱۸	۱۵	۳	۱۱
۱۰ - ۱۵	۱۲۰	۳۸	۲۴	۱۴	۲۷
۱۶ - ۲۰	۳۵	۱۱	۹	۲	۹
۲۱ - ۳۰	۱۷	۵/۵	۳	۲/۵	۳
۳۱ - ۵۰	۲۳	۷	۲	۵	۴
بالتر از ۵۰	۶۵	۲۰/۵	۱۲/۵	۸	۱/۵
جمع	۳۱۶	۱۰۰	۶۵/۵	۳۴/۵	۵۵/۵

گروه سنی (سال)	مشهد	سایر شهرها
کمتر از ۱۰	۴۸۰۰	۳۲۰۰
۱۱ - ۱۵	۸۷۰۰	۵۶۰۰
۱۶ - ۲۰	۱۹۱۵۰	۷۹۰۰
۲۱ - ۳۰	۱۶۸۰۰	۱۳۹۰۰
۳۱ - ۵۰	۱۸۲۰۰	۱۵۴۰۰
۵۱ به بالا	۱۳۲۰	۹۶۰۰

جدول ۳ میزان درآمد متوسط روزانه دوره‌گردها در استان خراسان، سال ۱۳۸۱ - ریال

در تعیین میزان متوسط درآمد، اظهارات افراد دوره‌گرد نمی‌تواند کاملاً دقیق باشد، ولی در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که در مشهد درآمد نمکیها و دوره‌گردها بیشتر از شهرستانهاست. در شهرستانهای استان خراسان، درآمد افراد در سبزوار بیشتر از سایر شهرهاست و پس از سبزوار، بجنورد و نیشابور قرار دارند.

یکی از دلایل پایین بودن درآمد بچه‌های کم سن و سال آن است که اولاً بخش عمده‌ای از آنها مواد زاید جمع‌آوری شده را تحویل واسطه‌ها می‌دهند، واسطه‌ها پول آنها را به خانواده‌شان می‌دهند و آنها نان بخور نمی‌ری دارند. از سوی دیگر، واسطه‌ها مواد بچه‌ها را ارزانتر می‌خرند و یا میزان پرت آن را بالاتر حساب می‌کنند.

جدول ۴ درصد رضایتمندی از شغل (دوره گردها و نمکیها) در استان خراسان، سال ۱۳۸۱

گروه سنی	تعداد کل	راضی	نیمه راضی	ناراضی	هیچکدام زده از شغل	بدون پاسخ	جمع
کمتر از ۱۰	۵۷	۵/۲۵	۱۰/۵	۱۵/۷۵	۲۹/۷۵	۳۸/۷۵	۱۰۰
۱۰ - ۱۵	۱۲۰	۷/۵	۲۰/۲۵	۳۰/۷۵	۲۵/۷۵	۱۵/۷۵	۱۰۰
۱۶ - ۲۰	۳۵	۲/۸۵	۱۱/۴	۳۱/۳۵	۲۵/۷۵	۱۵/۷۵	۱۰۰
۲۱ - ۳۰	۱۷	-	۱۱/۷۶	۲۹/۴	۵۸/۸	-	۱۰۰
۳۱ - ۵۰	۲۲	-	۱۳/۶۲	۶۳/۵۶	۱۸/۶	۴/۵۴	۱۰۰
بالاتر از ۵۰	۶۵	۷/۶۵	۱۳/۵	۵۵/۰۸	۱۳/۵	۹/۱۸	۱۰۰
جمع	۳۱۶	۲۳/۲۵	۸۱/۰۳	۲۲۵/۸۹	۱۸۹/۱۵	۷۹/۷	-

گفتنی است که برخی افراد، بخصوص افراد ۵۰ سال به بالا، کلمه رضایتمندی را به کار نبرده و تنها گفته‌اند: «خدا را شکر، خدا این طور می‌خواهد، ما هم راضی هستیم.» درصدی از افراد ۲۰ سال به پایین، از شغل خود راضی بوده‌اند. به نظر می‌رسد این افراد به علت کمی سن هنوز قدرت مقایسه وضعیت خود با شرایط اجتماعی را ندارند. دو گروه ۲۱ تا ۳۰ و ۳۱ تا ۵۰ سال از وضعیت خود اعلام رضایت نکرده‌اند. ولی مهم آن است که درصد مهمی از نمکیها از شغل خود خجالت زده‌اند. بالاترین درصد مربوط به سن ۱۶ تا ۲۰ سال با ۴۲٫۷۵٪ و ۲۱ تا ۳۰ سال با ۵۸٫۸٪ است. این افراد تلاش می‌کنند شغل خود را از دوستان و آشنایانشان مخفی کنند. برخی از آنها کم کم افسرده و درونگرا می‌شوند.

۶. قشر زباله‌دزدها و کارگران در حال تفکیک در محل دفن زباله

پایین‌ترین قشر دست‌اندرکار مواد زاید جامد قابل بازیافت، زباله‌دزدها و کارگرانی هستند که در محل دفن مواد زاید جامد شهرها و سایر محلهای مخصوص انبار زباله‌ها کار می‌کنند. با ۹۴ نفر از این افراد مصاحبه شده است. تعداد ۱۸ نفر آنها در محل دفن زباله‌های مشهد مشغول به کار بوده و محصولات خود را به شرکت چالیشان می‌فروختند.



تعدادی از جوانان مشغول جمع‌آوری زایدات برای شرکت چالیشان. محل دفن زباله‌های شهر مشهد، سال ۱۳۸۱

در این بررسی، پرسشگران با توجه به ظاهر افراد و با توجه به شرایط ظاهری روحی و جسمی آنان، احتمال اعتیاد را ذکر کرده‌اند. تفاوت کار این افراد با نمکیها آن است که نمکیها اکثر مواد قابل بازیافت خود را مستقیماً از خانه‌ها و تولیدکنندگان مواد دریافت و درصد کمی از زایدات قابل بازیافت را از داخل کیسه‌ها و صندوقهای زباله جمع‌آوری می‌کنند؛ در حالی که زباله دزدها قسمت اعظم مواد را از کیسه‌های زباله و محل‌های انبار زباله جمع‌آوری می‌کنند. بنابراین، مواد جمع‌آوری شده توسط زباله‌دزدها به‌علت آلودگی، توسط واسطه‌ها ارزانتر خریداری می‌شود. این قشر، جزو رانده‌شده‌ترین اقشار جامعه‌اند و بیشتر از دیگران استثمار می‌شوند. طبق مشاهدات انجام شده، زنان در این زمینه فعالیتی نداشته و در کل ۹۴ نفر مصاحبه شوندگان، مرد بوده‌اند.

باید توجه داشت که این افراد محرومترین قشر جامعه‌اند، از نظر اجتماعی جایگاهی ندارند و از نظر روحی اغلب دچار مشکل هستند. از روی وضعیت جسمانی و روحی آنها می‌توان حدس زد که حداقل ۴۸٪ آنها معتادند (در این درصد، احتمال خطا وجود دارد چون بر مبنای محکومیت و آزمایش عنوان نشده است). گزارش پرسشگران حاکی از آن است که در بین این افراد، ۷ نفر مشغول جمع‌آوری سرنگهای مستعمل از داخل زباله‌ها بوده‌اند! در موارد متعدد دیده شده است این افراد پسماندهای غذایی داخل زباله‌ها را می‌خورند. ۷۳/۵٪ این افراد اظهار داشته‌اند بخشی از غذای خود و حتی خانواده خود را از داخل زباله جستجو می‌کنند!

جدول ۵ میزان رضایتمندی، احتمال اعتیاد و درآمد روزانه پایین‌ترین قشر فعال در امر تفکیک زباله (استان خراسان - ۱۳۸۱)

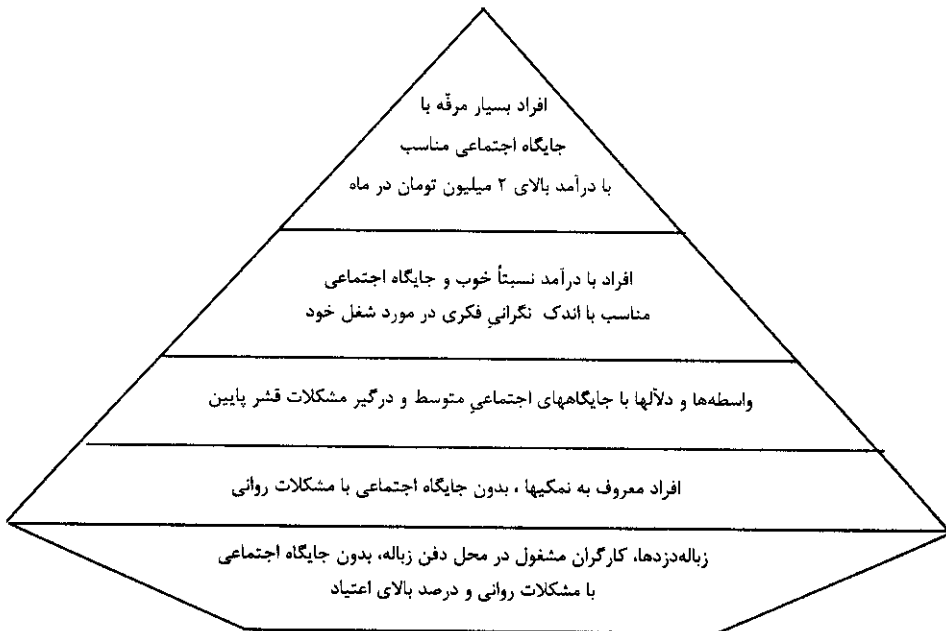
بی‌پاسخ	درجه رضایتمندی					متوسط درآمد روزانه - ریال	احتمال اعتیاد	تعداد باسوادان	تعداد	گروههای سنی
	بی تفاوت	خجالت زده	ناراضی	نیمه راضی	راضی					
۲	۸	۴	-	-	-	۴۵۰۰	-	۱۰	۱۴	۱۰-
-	-	۴	۷	-	-	۸۵۰۰	۱	۹	۱۱	۱۰-۱۵
-	۲	۷	۳	-	-	۱۳۰۰۰	۳	۷	۱۲	۱۶-۲۰
-	۴	-	۷	۲	۱	۱۵۵۰۰	۸	۱۱	۱۴	۲۱-۳۰
۲	۴	۶	۱۷	۳	۲	۱۶۱۰۰	۲۵	۱۹	۳۴	۳۱-۵۰
-	۷	-	۲	-	-	۱۴۷۰۰	۸	۱	۹	۵۰+
۴	۲۵	۲۱	۳۶	۵	۳	۱۷۳۰۰	۴۵	۵۷	۹۴	جمع

نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده، در کل موارد زیر را نشان می‌دهد:

SID.ir فعالیت افراد مشغول به تفکیک و بازیافت مواد زاید، به صورت شبکه‌ای و سلسله مراتبی

انجام می‌شود. این سلسله مراتب، از پایین‌ترین قشر یعنی زباله‌دزدها و نمکیها در شهرها و روستاها، تا بالاترین سطوح (رأس هرم) همچون تاجران عمده مواد بازیافتی و صاحبان صنایع و حتی در بسیاری موارد سازمانهای رسمی مانند شهرداریها، را شامل می‌شود. برای تعیین جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد مرتبط با تفکیک و بازیافت زباله، هرم دیگری را می‌توان ترسیم کرد (نمودار ۲).



نمودار ۲ هرم جایگاه اجتماعی افراد مرتبط با تفکیک زباله در استان خراسان در سال ۱۳۸۱

۲. برخلاف تصور اولیه و ظاهر امر، افراد شاغل در امر تفکیک زباله از یک قشر و طبقه اجتماعی نیستند. در رأس هرم، افراد بسیار مرفه با سرمایه و امکانات بسیار بالا و درآمدهای ماهیانه بیش از چند میلیون تومان قرار دارند. این افراد، اصولاً چندان با زباله سروکار ندارند و آن را لمس نمی‌کنند. در قاعده هرم، قشر نمکیها و پایین‌تر از آنهاست؛ قشر فقیری که از نظر تعداد کمتر از نمکیها هستند و به زباله‌دزد معروف شده‌اند و بخشی از خوراک خود را از درون زباله به دست می‌آورند. معمولاً کسی به فکر رفاه این گروه نیست و بیشترین فشار از نظر اقتصادی و اجتماعی - روانی، روی آنان است.

۳. اکثریت فعالان، بخصوص دوره‌گردها، نمکیها و زباله‌دزدها، را مهاجران روستایی تشکیل می‌دهد. این مهاجران از نقاط مختلف روستایی در جنوب خراسان، استان سیستان و بلوچستان و حتی در مواردی اردبیل، به شهر مشهد مهاجرت کرده بودند. این مهاجران به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- برخی از این مهاجران به قصد یافتن کاری بهتر از مناطق روستایی به شهر آمده‌اند، اما به علت نداشتن تجربه حرفه‌ای، فنی و تخصصی، نتوانسته‌اند در بخش اقتصاد رسمی شهری جذب شوند (مافی، ۱۳۷۲، ۳۷) و به سمت مشاغلی از این قبیل کشیده شده‌اند.

- برخی دیگر از این مهاجران به قصد فعالیت در این زمینه به شهر می‌آیند. در این مورد می‌توان مهاجران روستایی از اردبیل را مثال زد که توسط شرکت چالیشان به محل دفن زباله‌های مشهد آورده شده‌اند.

۴. اکثر دوره‌گردهایی را که در خیابانها و کوچه‌ها مشغول جمع‌آوری مواد زاید هستند، کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. این امر نشان دهنده سوءاستفاده از وجود این افراد برای سودجوییهای شخصی است. همچنین، وضعیت ظاهری این‌گونه افراد در سطح شهر، احساسی ناخوشایند و ناراحت‌کننده ایجاد می‌کند که برای شهرهایی چون مشهد که شهری زیارتی با انبوهی از زایران است، بسیار نامناسب می‌باشد. لذا ساماندهی این افراد از طریق تاجران مشغول در زمینه بازیافت مواد، الزام پوشیدن لباس ویژه و داشتن وسایل تمیز و استاندارد، جزء کمترین اقدامهای لازم به نظر می‌رسد.

وقتی سازمان بازیافت مشهد می‌خواهد به اصطلاح نمکیها را ساماندهی کند، پایین‌ترین قشر هرم را جمع‌آوری می‌کند و گاریهایشان را از آنها می‌گیرد.

هم‌اکنون، برای جمع‌آوری دوره‌گردها از سطح شهرهای استان خراسان بخصوص مشهد، تلاش زیادی صورت گرفته است؛ اما چون وضعیت معیشت این‌گونه افراد نامناسب و سخت است، صرفاً با جمع‌آوری آنها از سطح شهر و یا جریمه‌کردنشان مشکلی حل نمی‌شود و پس از رهاشدن دوباره این کار را ادامه خواهند داد. به‌علاوه، چون کار، سازمان یافته و تشکیلاتی بوده و رأس هرم دارای انگیزه اقتصادی و مجوزهای قانونی است، همیشه می‌تواند افراد جدیدی را جذب سیستم کند.

سازمان بازیافت، محل دفن زباله‌ها را به‌طور غیررسمی اجاره می‌دهد و شرکتهای مربوط، تعدادی از جوانان را از شهرهای دیگر به محل وارد و به کار مشغول می‌کنند. پس هدف اصلی در این راه، درآمد اقتصادی است نه حل مشکلات و مسائل اجتماعی و رسیدن به عدالت اجتماعی؛ راهی که برای دستیابی به معیارهای یک جامعه سالم شهری (شکویی، ۱۳۶۵، ۱۲۳) به بی‌راهه می‌انجامد.

۵. درجه رضایتمندی فعالان غیر رسمی از نظر روان شناختی و اجتماعی یکسان نیست و

در سطوح مختلف میزان رضایتمندی شغلی آنها متفاوت است. میزان رضایتمندی شغلی، هر چقدر

از رأس هرم اجتماعی به سمت قاعده آن می‌رود، کمتر است.

در مجموع، برای فعالان غیررسمی در امر جمع‌آوری مواد زاید خشک قابل بازیافت، مشکلات ذیل را می‌توان ذکر نمود:

- به دلیل سودجویی محض، تاجران مربوط توجهی به شرایط زندگی افراد تحت امر خود ندارند و اصولاً از نظر اداری هیچ رابطه‌ای بین تاجران و این افراد نیست. عملاً این افراد محصول را جمع‌آوری می‌کنند و به صورت کیلویی به تاجران می‌فروشند؛ ولی تقریباً هیچ فردی از نمکیها نیست که طرف یک واسطه یا بازرگان نباشد. به علاوه، توجهی به مواد جمع‌آوری شده و نحوه جمع‌آوری آن نمی‌شود. بنابراین، حتی از زباله‌های بیمارستانی که درصد آلودگی آنها بسیار بالاست، مواد قابل بازیافت تفکیک و به بازار عرضه می‌شود. باعث ایجاد شغل‌های اعلام نشده در سطح جامعه می‌شود که به دلیل پنهان بودن آنها از چشم دولت، افراد زیادی در این راه استثمار می‌شوند؛ افرادی که حقوق، بیمه، تأمین اجتماعی و سایر مزایا را ندارند.

- با فعالیت فعالان غیررسمی، مدیریت مواد زاید خشک قابل بازیافت از حیطة کنترل دولت و شهرداریها خارج می‌شود. این کار، هزینه‌های بهداشتی - زیست محیطی هنگفتی را در پی دارد.

- به دلیل جمع‌آوری این مواد از داخل سطهای زباله، حاشیه خیابانها، محل دفن زباله‌ها و غیره، این گونه مواد بیشترین آلودگی را دارند و این راه ساده‌ترین روش برای انتقال یک بیماری و همه‌گیر شدن آن در سطح شهر است. این امر، در عین حال به زیبایی شهر لطمه وارد می‌کند.

- شرایط نگهداری و حمل و نقل این مواد نیز کاملاً غیربهداشتی است. اما باید توجه داشت در شرایط فعلی، اگر همین افراد و نمکیها کار خود را تعطیل کنند، چه می‌شود؟

- در کل شهر، هزاران نفر بیکار می‌شوند.

- بخش مهمی از مواد زاید که فعلاً دفن نمی‌شوند، به محل دفن منتقل می‌گردند.

- به دلیل تأمین بخشی از خوراک دام کشور از طریق بازیافت نان، اگر نان خشک جمع‌آوری نشود، باید مقدار زیادی خوراک دام از خارج وارد شود.

- به دلیل تأمین نشدن ماده اولیه، بسیاری از صنایع بازیافت که هم اکنون در حال فعالیت می‌باشند، با مشکل مواجه می‌شوند.

- بسیاری از مواد زاید خشک که روزانه توسط دوره‌گردها و نمکیها از سطح شهر جمع‌آوری می‌شود، در کوچه‌ها، خیابانها و... باقی می‌ماند.

البته، باید توجه داشت که شرایط فعلی ایده‌آل نیست، بلکه بد است. اما آیا باید کلاً این گونه مشاغل از سطح شهرها جمع‌آوری شوند یا شیوه نگرش، برخورد و ساماندهی آنها باید به گونه‌ای دیگر تحول یابد؟ به عبارتی، به این دوره‌گردها به چشم مزاحم باید نگریسته شود یا مکمل بخشی از فعالیت‌های مفید؟ (ر.ک: ترابی، ۱۳۸۰) حال اگر فرض کنیم که الگوی فعلی جمع‌آوری توسط فعالان غیررسمی در کل کنار گذاشته شود، چه پیش خواهد آمد و یا چه چیزی حل خواهد شد؟

شرایط فعلی بد است، ولی بدتر آن است که همین شرایط فعلی تفکیک، جمع‌آوری و بازیافت مواد زاید، به طور کلی از میان برود. به نظر می‌رسد، کلید حلّ معما در این نیست که این کار دولتی شود، بلکه باید موارد زیراعمال گردد:

۱. نظارت دولت بر بخش خصوصی.
 ۲. تشویق بخش خصوصی از طریق اعطای وام کم بهره و کاهش هزینه‌ها (بیمه اجتماعی).
 ۳. هدایت فعالان غیررسمی به سمت تشکیل مؤسسه‌های کوچک و خودیار (ر.ک: موسوی، ۱۳۸۱)
 ۴. تشویق تشکیل NGOها و مشارکت و نظارت مردمی (علوی تبار، ۱۳۷۹)
 ۵. آموزش و تبلیغات در سطح وسیع.
- در شرایط حاضر، کارگران و حقوق‌بگیران شهرداری، یعنی رفتگران فعلی، اصولاً نباید در کار تفکیک مواد دخالت کنند؛ مگر آنکه وظیفه‌ای خاص برای آنها تعریف شود. در صورتی که تعریف وظایف جدید برای کارگران فعلی شهرداری دیده شود، باید به کارگران شهرداری آموزش لازم داده شود و کار تفکیک تحت نظارت و کنترل سازمان بازیافت انجام گیرد.
- خلاصه آنکه، در شرایط فعلی، تعدادی افراد کم‌سواد، مهاجر، روستایی و حاشیه‌ای به مشاغل می‌پردازند که از نظر دولت رسمی نیست ولی از نظر عملی و مردمی لازم است. در حالی که تشکیلات دولتی آن را به رسمیت نمی‌شناسد، بخش خصوصی آن را به صورت یک شبکه گسترده سلسله مراتبی ساماندهی کرده است.
- دولت و شهرداریها باید این تشکیلات وسیع را به رسمیت بشناسند، آن را قانونمند و استاندارد کنند، به افراد آموزش بدهند، برای آنها کارت شناسایی ویژه، همراه با لباس رسمی در نظر بگیرند، از کارکردن افراد کم سن و سال جلوگیری کنند و تفکیک را از مبدأ ساماندهی نمایند. برخورد غیر اصولی و دوره‌ای با این افراد (به‌خصوص پایین‌ترین قشر) نمی‌تواند مسأله را حل کند، فقط شهرها را از رعایت عدالت اجتماعی که اساس و پایه توسعه پایدار و داشتن جامعه سالم و رعایت حقوق شهروندان و اجرای قانون اساسی کشور است، دور می‌کند.

پی‌نوشتها:

- ۱- در تنظیم بخشی از این مقاله، از طرح زیر استفاده شده است:
 «اصلاح، بهبود و توسعه روشها و فناوریهای بازیافت شهر مشهد»، که در دانشگاه تربیت مدرس و زیر نظر دکتر محمدحسین پاپلی‌یزدی در حال انجام است. نگارنده، همکار اصلی طرح است و بخش اجتماعی طرح، کلاً زیر نظر نگارنده انجام می‌شود.
- ۲- روابط عمومی و بین‌الملل سازمان بازیافت و تبدیل مواد، «بازیافت در قاهره - داستان پربرکت زباله»، مجموعه مقاله، تهران، منتشر نشده.

منابع و مآخذ

- ۱ - برنامه عمران سازمان ملل متحد (۱۹۹۲): دستور کار ۲۱، ترجمه حمید طراوتی و سید امیر ایافت، سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۷۷.
- ۲ - پاپلی‌یزدی، محمد حسین (۱۳۸۰): مطالعات طرح جامع جمع‌آوری حمل و نقل و دفع مواد زاید شهر مشهد، کارفرما شهرداری مشهد زیر نظر دانشگاه مشهد.
- ۳ - پاپلی‌یزدی محمد حسین (۱۳۸۰): بجه‌های زباله، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲.
- ۴ - پاپلی‌یزدی، محمدحسین و فاطمه وثوقی (۱۳۸۲): طرح توجیه فنی- اقتصادی بازیافت زباله‌های شهری منطقه خراسان، کارفرما وزارت کشور، مجری پژوهشکده امیرکبیر.
- ۵ - ترابی، مرضیه (۱۳۸۰): دستفروشنا و دوره‌گردها مزاحم یا مکمل؟ ماهنامه شهرداریها، ش ۲۴، اردیبهشت‌ماه.
- ۶ - توسلی، غلامعباس (۱۳۸۱): جامعه‌شناسی شهری، دانشگاه پیام نور.
- ۷ - چیمما، شاپیر (۱۳۷۹): مدیریت شهر، خط مشی‌ها و نوآوریها در کشورهای در حال توسعه، ترجمه پرویز زاهدی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- ۸ - ذکایی، سعید (۱۳۸۱): نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۷، بهار.
- ۹ - روابط عمومی و بین‌الملل سازمان بازیافت و تبدیل مواد، بازیافت در قاهره - داستان پربرکت زباله، تهران، منتشر نشده.
- ۱۰ - شکویی، حسین (۱۳۶۵): جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- ۱۱ - صرامی، حسین (۱۳۷۲): بررسی مشاغل غیررسمی، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- ۱۲ - صرامی، حسین (۱۳۷۳): تأثیر مشاغل غیر رسمی بر چهره شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۳۲، بهار ۱۳۷۳.
- ۱۳ - عبدلی، محمدعلی (۱۳۷۹): مدیریت دفع و بازیافت مواد زاید جامد شهری در ایران، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- ۱۴ - عبدلی، محمدعلی (۱۳۷۹): مدیریت دفع و بازیافت مواد زاید جامد شهری در جهان، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- ۱۵ - علوی تبار، علی‌رضا (۱۳۷۹): بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، انتشارات سازمان شهرداریها.
- ۱۶ - مافی، عزت‌الله... (۱۳۷۲): بررسی کوتاهی بر اقتصاد بخش غیررسمی در شهر مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۸.
- ۱۷ - موسوی، سیروس (۱۳۸۱): مجالی برای مشارکت، ماهنامه شهرداریها، سال چهارم، ش ۴۰، شهریورماه.